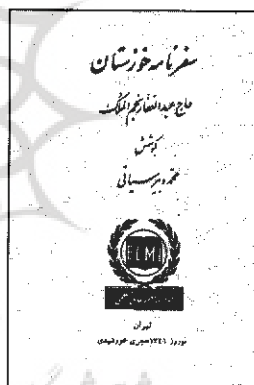


سفر به خوزستان در دوره ناصرالدین شاه

• یحیی آریابخشاپیش

مدرسه دارالفنون به تدریس علوم ریاضی مشغول شد و شاگردان بزرگی چون مهندس عبدالرزاق بغایری را پرورش داد. از جمله فعالیت‌های او در این دوران، تهیه نقشه اراضی شهر جدید دارالخلافه، تهران، بود که با همکاری و همراهی جعفرقلی خان نیرالملک، رئیس مدرسه دارالفنون و بیست نفر دیگر از مهندسان به انجام رسانید.^۴ وی در ۱۲۹۰ ق. منجم‌باشی عباس میرزا، نایب السلطنه، شد و لقب «نجم‌الملک» دریافت کرد. چندی بعد نیز لقب «نجم‌الدوله» گرفت. هم‌چنین ناصرالدین شاه قاجار برای برطرف ساختن اختلاف بین تقویم‌های متعدد در مملکت، از انتشار وانطباق «تقاویم سایر علمای فن تنجیم (ستاره‌شناسی)» جلوگیری کرد و فقط تقویم حاجی میرزا عبدالغفار نجم‌الملک اجازه انتشار یافت.^۵ نجم‌الملک در آغاز سال نو نیز به کاخ گلستان می‌رفت و در حضور شاه قاجار، فرا رسیدن ساعت و دقیقه تحویل سال جدید را اعلام می‌نمود.^۶

نجم‌الملک در ۱۲۹۸ ق. برای طراحی سدبندی در اهواز، عازم خوزستان شد و پس از مراجعت به تهران (۱۲۹۹ ق.)، نقشه‌های جغرافیایی را همراه با گزارش سفرش، به حضور شاه تقدیم کرد. چند سال بعد (۱۳۰۶ ق.)، بار دیگر مأمور بستن سد اهواز شد. در همین سال‌ها به فرمان ناصرالدین شاه، اقدام به سرشماری جامع شهر تهران کرد. اگرچه تاریخ دقیق این سرشماری روشن نیست، به نظر می‌رسد در فاصله سال‌های ۱۳۰۶ و ۱۳۰۷ ق. صورت گرفته باشد.^۷ در هر حال، برای عملیات سرشماری، هشت تن از شاگردان خود را در مدرسه دارالفنون بسیج و جمعیت تهران را در مدت دو ماه سرشماری کرد. اوساکنین هر محله را اعم از مرد و زن، طفل و جوان، غلام و خواجه و کنیز، مالک و مستأجر، تهرانی و غیر تهرانی، مسلمان و غیر مسلمان، تعداد خانه‌ها، گرمابه‌ها، کاروانسراها، مساجد و مدارس، یخچال‌ها،



■ سفرنامه خوزستان

■ نویسنده: حاج عبدالغفار نجم‌الملک

■ به کوشش: محمد دبیرسیاقی

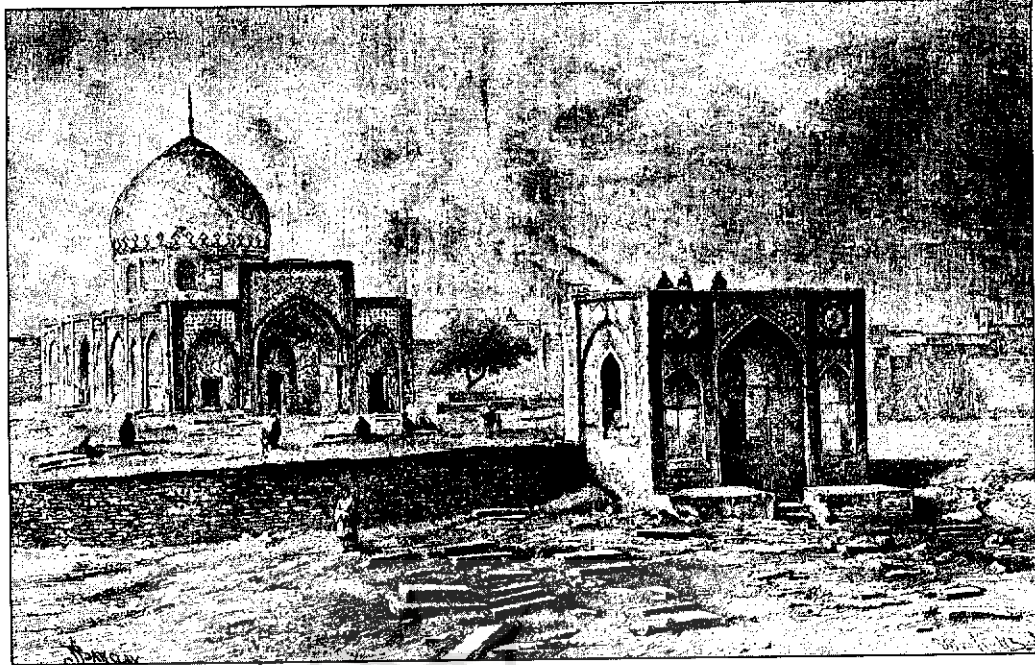
■ ناشر: تهران، علی‌اکبر علمی، چاپ دوم،

۱۳۶۲، ۲۰۱ ص.

میرزا عبدالغفار نجم‌الملک، ریاضی‌دان، منجم‌باشی و نویسنده دوره قاجار بوده است. برخی تاریخ تولدش را ماه ذی‌قعدة ۱۲۵۹ ق. دانسته‌اند،^۱ اما با توجه به نوشته بیشتر زندگی‌نامه نویسان، در ماه ربیع‌الاول سال ۱۲۵۵ ق. در اصفهان به دنیا آمده است.^۲ در اوایل کودکی با پدرش از اصفهان به تهران آمد و هم‌زمان با تحصیل در مدرسه تازه تأسیس دارالفنون، نزد پدر به تکمیل علوم ریاضی و هیئت و نجوم قدیم پرداخت. پدرش، ملا علی محمد اصفهانی (۱۲۱۵ - ۱۲۹۳ ق.) در علوم ریاضی شهرت فراوانی داشت و از ستاره‌شناسان مشهور دوره قاجار به‌شمار می‌آمد.^۳

میرزا عبدالغفار، پس از فراغت از تحصیل، از ۱۲۸۸ ق. در

◀ مقبره و قبرستانی در
شوشتر، سفرنامه دیولافوا



نجم‌الملک در علوم
هندسه، ریاضی و نجوم
قدیم و جدید دارای
معلومات و تحصیلات عالی
بوده و در علم موسیقی
نظری نیز، از دانشمندان
زمان خود به‌شمار می‌رفته
است

بود که از طرف شاه به منظور برآورد هزینه ساخت و تعمیر سد (بند) اهواز به او محول شده بود.

با این وجود، برخی معتقدند که سفر نجم‌الملک به خوزستان، سرپوشی بر خواسته نهانی ناصرالدین شاه مبنی بر از میان برداشتن والی خوزستان، حسین قلی خان ایلخانی بوده است.^{۱۳} چراکه از نحوه سخن‌پردازی‌های نجم‌الملک درباره اوضاع خوزستان، به‌ویژه مسایل نظامی، و در نهایت احضار حسین قلی خان ایلخانی بختیاری و کشته شدن او توسط مسعود میرزا ظل‌السلطان در ۱۲۹۹ ق.^{۱۴} و برخی حوادث دیگر، چنین بر می‌آید که سفر و یادداشت‌های نجم‌الملک از خوزستان، ناصرالدین شاه را در رسیدن به مقصود خویش یاری رسانیده است.

نجم‌الدوله برای مسافرت به خوزستان، لوازمی از قبیل مهیا کرده بود «اگر چه اصل منظور از این مأموریت برآورد ساختن سد اهواز است، ولی ملاحظه نمود که چون در هر حال باید مسافت را پیمود و با طبقات مختلفه مردم معاشرت نمود، اولی آنست که به قدر امکان از عمر و سفر بهره برداشت.»^{۱۵}

نجم‌الملک با چنین ذهنیتی، از هر شهر و آبادی که عبور می‌کرد، تصویری ملموس می‌ساخت و دیده‌ها و شنیده‌های خود را در دفتری جداگانه می‌نگاشت. افزون بر این، نقشه‌هایی را از شهرها و سدهای مهم به مجموعه یادداشت‌های خویش اضافه می‌کرد.^{۱۶}

یادداشت‌های نجم‌الملک نخستین بار در ۱۳۴۱ ش. به‌کوشش محمد دبیرسیاقی با عنوان سفرنامه خوزستان به زیور طبع آراسته شد. با وجود شصت و نه غلط املایی که به صورت تصحیح شده در صفحه آخر کتاب گنجانده شده بود، در ۱۳۶۲ ش. بار دیگر چاپ و منتشر شد. «چهارده اصل» فرمان شاه به نجم‌الملک درباره مأموریت او به خوزستان نیز در کتاب درج شده است.

دستگاه‌های کوره‌پزی، تکایا، اصطبل‌های شخصی و غیر شخصی و غیره مشخص کرد. اسامی شاگردان، چگونگی سرشماری و آمار و ارقام دقیق آن در شماره چهارم مجله یغما (سال ۱۳۲۹ ق.) به تفصیل بیان شده است.^۸

اگر چه مرتبه علمی نجم‌الدوله از دید محمدحسن خان اعتمادالسلطنه چندان که شایسته اوست، دانسته نیست، ولی پر واضح است که وی در علوم هندسه، ریاضی و نجوم قدیم و جدید دارای معلومات و تحصیلات عالی بوده و در علم موسیقی نظری نیز، از دانشمندان زمان خود به‌شمار می‌رفته است.^۹

حاج میرزا عبدالغفار نجم‌الدوله، در چهاردهم جمادی الاولی ۱۳۲۶ در تهران درگذشت و بنا به وصیت خود در صفائیه شهرری به خاک سپرده شد. آثار باقی مانده از او عبارتند از: ۱. آسمان در هیئت و نجوم که ترجمه‌ای فارسی از آثار مؤلفان اروپایی است، ۲. اصول جغرافیا، ۳. اصول الهندسه یا کفایه‌الهندسه، ۴. بدایه الجبر، ۵. بدایه الحساب، ۶. بدایه النجوم، ۷. بدایه الهندسه، ۸. التطبیقه در تطبیق دو تاریخ هجری قمری و مسیحی (میلادی)، ۹. کفایه الحساب.

سفرنامه خوزستان

حاج عبدالغفار نجم‌الملک در روز چهارشنبه بیست و دوم ذی‌الحجه ۱۲۹۸ سه ساعت مانده به غروب، از تهران به طرف حضرت شاه عبدالعظیم حرکت کرد و سفر خود را به خوزستان آغاز نمود که پس از هشت ماه و بیست روز تمام، صبح روز یکشنبه، چهاردهم رمضان ۱۲۹۹ وارد تهران شده، پایان سفرش را اعلام کرد.^{۱۷} او در این سفر، گزارش نسبتاً مبسوطی را همراه با نقشه‌های جغرافیایی نقاط مختلف خوزستان به حضور شاه قاجار تقدیم کرد. این سفر مأموریتی

بند اهواز که در سفرنامه خوزستان از آن با نام سد اهواز یا ناصری یاد شده، از جمله قدیمی ترین بندهای خوزستان است که قدمت ساخت آن به قرن چهارم یا پنجم هجری قمری بازمی‌گردد. چون این بند در طول سالیان متمادی به علل زیست محیطی و کم توجهی حکام محلی و مرکزی دچار خرابی و شکستگی دیواره‌ها شده، نیازمند تعمیر و تجدید بنا بوده است؛ نجم‌الملک با سابقه‌ای که درباره نقشه‌کشی و تهیه نقشه جغرافیایی داشت، برای برآورد هزینه تعمیر شبکه آبیاری بند اهواز رهسپار ولایت خوزستان شد و سفرنامه‌ای گزارش گونه از خود به یادگار گذاشت.

این سفرنامه به لحاظ دقت و توجه نویسنده از ارزش و فایده فراوانی برخوردار است. طوری که در بسیاری از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خوزستان، آگاهی‌های ریز و درشت به دست می‌دهد و در زمره آن دسته از منابعی قرار می‌گیرد که ضرورت استفاده از آن‌ها در شناخت خوزستان، غیرقابل انکار است.

میرزا عبدالغفار در صفر ۱۳۰۶ بار دیگر برای تعقیب هدف قبلی خود، سفری به خوزستان انجام داد^{۱۷} که یادداشت‌ها و گزارش‌های سفر اخیر او، هنوز در جایی منتشر نشده قرار دارد، یا لااقل راقم این سطور، از آن بی‌خبر است.

نوشته دیگری نیز با عنوان کتابچه مسافرت عربستان و سد اهواز درباره موضوع سد بندی خوزستان - اهواز - موجود است که عبدالله بن مصطفی (سردار اکرم) آن را نوشته است. این کتابچه، با وجود این که در کنار سفرنامه خوزستان، اطلاعات تکمیلی را در معرض دید خوانندگان و پژوهشگران قرار می‌دهد، چندان قابل مقایسه با نوشته نجم‌الملک نیست.^{۱۸}

پرداختن به همه جوانب سفرنامه خوزستان از حوصله این نوشته خارج است، اما اشاره اجمالی به ویژگی‌ها، مزایا و معایب سفرنامه، در این مجال خالی از فایده نیست.

۱. قریه‌ها و شهرها، رباط‌ها و کاروانسراها، مزارع و مراتع کشاورزی، بندها و سدها و دیگر مکان‌هایی که نجم‌الملک در طول مسیر خود از آن‌ها دیدن کرده، به کمک جملات کوتاه و آمار و ارقام و مقیاس‌های متفاوت در سفرنامه به تصویر کشیده شده‌اند. بی‌شک الحاق نقشه‌های جغرافیایی به توصیفات حاضر، گزارشی را فراهم آورده که برای دربار قاجاری از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده است.

۲. در لابه‌لای جملات و عبارات سفرنامه، دو ویژگی جداگانه نهفته است: یکی ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری نویسنده سفرنامه و دیگری عقاید دینی و قومی، آداب و سنن بومی و برخورد‌های مردم و

از جمله فعالیت‌های نجم‌الملک

در دوران تدریس در دارالفنون،

تهیه نقشه اراضی شهر جدید دارالخلافه،

تهران، بود که با همکاری جعفرقلی خان نیرالملک،

رئیس مدرسه دارالفنون و بیست نفر

دیگر از مهندسان

به انجام رسانید

حکام محلی با هم.

از بین تمام ویژگی‌های رفتاری نهفته در سفرنامه خوزستان، خصلتی بیش از همه چشمگیر است که از آن نجم‌الملک بوده، او را از دیگران متمایز می‌کند؛ نجم‌الملک در بسیاری از موارد که از روابط قشرهای مختلف مردم با خود سخن می‌گوید، مرتب به این ویژگی خود نیز اشاره دارد که «نواب احتشام السلطنه [ابراهیم میرزا] دو رأس اسب فرستاد، رد نمودم.» «ایلخانی یک رأس اسب، خانزاد اسب سه ساله‌ی نجیب خودش در ناغان فرستاد و یک گُره اسب نجیب خوب دامادش، میرزا آقاخان، ایل بیگی جانگی در قلعه تل، هر دو را رد نمودم و دیناری از آن‌ها قبول نکردم.»^{۱۹}

۳. خاک و آب خوزستان برای نجم‌الملک دارای ارزش فوق‌العاده‌ای بوده، مدام از محاسن زمین‌های کشاورزی آن ناحیه سخن گفته است. طوری که برخی مواقع در نظر خواننده چنین جلوه می‌نماید که هدف غایی نجم‌الملک از این سفر، تهیه گزارش از وضع کشاورزی خوزستان بوده و بستن سد اهواز در اهمیت بعدی قرار داشته است. همین جمله در این باره بس که نوشته است:

«خاک و آب و خوزستان خیلی مجهول القدر مانده، می‌توان با جرأت گفت که هیچ‌جا مثل آن دیده نشد.»^{۲۰}

۴. تصویری که نجم‌الملک از امور نظامی خوزستان ارائه می‌کند، نشان دهنده عدم توجه حکام محلی و دولت مرکزی به آن ولایت است:

«در محمره [خرمشهر] توپخانه و قورخانه [انبار اسلحه] معتبری که نیست، جز شش ارابه توپ. محل آن‌ها در زمین پستی است که اوقات مذکارن [رود کارون] آب می‌گیرد. چرخ‌ها پوسیده، ایوان جلوی توپخانه را آب شسته و رفته رفته آب تعدی می‌کند.»^{۲۱}

۵. مساجد، امام‌زاده‌ها، قبور متبرکه و آثار باستانی که گاهی از نزدیک به توصیف آن‌ها نشست، از دیگر موضوعات سفرنامه خوزستان است. از جمله مسجد کاشان با کاشی‌های برجسته و معرق

برخی معتقدند که سفر
نجم‌الملک به خوزستان،
سرپوشی بر خواسته‌نهایی
ناصرالدین‌شاه مبنی بر از
میان برداشتن والی
خوزستان، حسین‌قلی خان
ایلخانی بوده است

ناصرالدین شاه قاجار برای بر طرف ساختن اختلاف بین تقویم‌های متعدد در مملکت، از انتشار و انطباق «تقاویم سایر علمای فن تنجیم (ستاره‌شناسی)» جلوگیری کرد و فقط تقویم حاجی میرزا عبدالغفار نجم‌الملک اجازه انتشار یافت

خوب و تماشایی محراب آن، امامزاده عمران بن علی با گنبد مسی در قصبچه فُوقه (نزدیک گلپایگان)، امامزاده شاه ابوالقاسم (معروف به زمین دقیانوس در نزدیکی کاهونک)، مزار دانیال (ع) در شوش، قبور مشاهیری چون ملامحسن فیض، باباشجاع‌الدین و ملافتح‌الله در کاشان.

علاوه بر این، خرابه‌های شوش، پایتخت ایلام قدیم با قدمت تاریخی بسیار طولانی چنان بر تعجب نجم‌الملک افزوده است که خوشحالی‌اش به پای آن نمی‌رسد. مشاهده چنان واقعیتی، او را بیش از هر چیز دیگری متأثر ساخته است:

«شهر شوش خیلی بزرگ بوده، فرنگی‌ها زیر و زیر نموده‌اند. کاش از جانب اولیای دولت، قدغن می‌شد که من بعد، فرنگی‌ها در آن جاها و در سایر بلاد مخروبه ایران کنجکاو نمی‌کنند. آیا رعایای دولت ایران، هر چند معتبر و مقتدر باشند ممکن است در خاک فرنگ تیشه بر زمین بزنند [جز] در جایی که از آن بی مصرف‌تر نباشند؟»^{۲۲}

۶. معرفی تعدادی از علما، رؤسای قبایل، حکام و بزرگان خوزستان. در واقع از درون سفرنامه، می‌توان فرهنگ مختصر و مستقلی از رجال و مشاهیر خوزستان تدوین کرد. از جمله آنان: مولی‌مطلب، والی هویزه؛ سید علی اصغر طالقانی، سرحدار؛ حسین قلی خان ایلخانی، والی خوزستان؛ مزعل خان؛ آقاشیخ حبیب از علمای محرمه و غیره.

سفرنامه خوزستان گذشته از ویژگی‌های بر شمرده‌ی پیشین، درباره موضوعات زیر نیز آگاهی لازم را در اختیار خوانندگان قرار می‌دهد:

الف. بیان چگونگی اجاره املاک خالصه و ناخالصه، مبالغ اجاره و مالیات آن‌ها.

ب. توضیح درباره کشتیرانی در رودخانه‌های جاری خوزستان.

ج. بیان وضع راه‌های ارتباطی بین آبادی‌ها و منازل سفر.

د. معرفی سدها، پل‌ها و رودخانه‌هایی چون سد قهرود، سد هویزه، سد جراحی، سد بابل، رود کارون، رود کرخه، رود فلت، نهرخین، پل جعب.

هـ. اشاره به مناطق نفت‌خیز خوزستان و چگونگی استفاده از چاه‌های نفتی به صورت گذرا.

و. توجه به چگونگی ساخت خانه‌ها و منازل مسکونی و مواد به کار رفته در ساخت آن‌ها.

ذ. توصیف صنایع دستی شهرها و آبادی‌ها.

بی شک هر نوشته‌ای از کاستی‌ها و معایبی برخوردار است که برخی به شیوه نگارش نویسنده (معایب ادبی) مربوط می‌شود و برخی دیگر نیز به اشتباهات اطلاعاتی نویسنده باز می‌گردد.

احمد کسروی که در زمستان ۱۳۰۲ ش. به خوزستان سفر کرده و پس از بازگشت به تهران در اواسط ۱۳۰۳ ش. کتابی به نام تاریخ پانصد ساله خوزستان را تدوین و تألیف کرده است؛ ضمن اشاره به اهمیت سفرنامه میرزا عبدالغفار نجم‌الملک در شناخت درست خوزستان و تأکید بر اعتبار علمی آن، از معایب کار نجم‌الملک نیز سخن رانده است. کسروی درباره اختلاف نظر خود با نجم‌الملک بر سر منافع آبی خوزستان می‌نویسد:

«نکته دیگر که حاج نجم‌الملک در نیافته و ما اینک برگرفته‌های او می‌افزائیم این است که در زمان‌های باستان، تنها یک سوم آب کارون از بستر بند اهواز روان بوده»^{۲۳} است.

گذشته از این، گاهی نجم‌الملک درباره جمعیت شوشتر و دزفول گزافه‌گویی نموده و آماری را ارائه کرده که بیش از آمار سرشماری‌های عمومی بوده است.^{۲۴}

از دیگر معایب سفرنامه خوزستان می‌توان به شیوه نگارش و نوع پرداختن نجم‌الملک به موضوعات مورد بحث اشاره کرد. حتی در برخی موارد بدون این که موضوعی را به انجام رساند، موضوع دیگری را پیش کشیده و با این شیوه موجب پراکندگی مفاهیم در متن شده است. به عنوان نمونه در صفحه ۶۱، بدون این که موضوع معرفی مولی‌مطلب، والی هویزه، را به پایان برساند، یکباره از فاصله هویزه تا خفاجیه (نام مکانی) سخن گفته و به نوعی در موضوع و مفهوم گسیختگی ایجاد کرده است. هم‌چنین عدم مطابقت افعال متوالی، از لحاظ شناسه و زمان می‌تواند عیب دیگری بر نوشته نجم‌الملک محسوب شود که گاهی بر خستگی و سرگشتگی خواننده نیز می‌افزاید. از سوی دیگر آمار و ارقام متفاوت (اعم از طول مسافت‌ها، زمان‌های طی شده، درجه دماها، طول و عرض و ارتفاع ساختمان‌ها و ...) که نشان دهنده‌ی گزارشی بودن سفرنامه است، خستگی خواننده را دوچندان می‌کند. به گونه‌ای که کمتر جمله‌ای را

سفرنامه خوزستان در بسیاری از جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی خوزستان، آگاهی‌های ریز و درشت به دست می‌دهد و در زمره آن دسته از منابعی قرار می‌گیرد که ضرورت استفاده از آن‌ها در شناخت خوزستان، غیر قابل انکار است

قریه‌ها و شهرها، رباط‌ها و کاروانسراها،
مزارع و مراتع کشاورزی، بندها و سدها
و دیگر مکان‌هایی که نجم‌الملک
در طول مسیر خود از آن‌ها دیدن کرده،
به کمک جملات کوتاه و آمار و ارقام
و مقیاس‌های متفاوت در سفرنامه
به تصویر کشیده شده‌اند

می‌توان یافت که با بهره‌گیری از صناعات ادبی، این خستگی را اندکی بکاهد.

نجم‌الملک بیش از ۲۷۷ فرسخ مسافت را با صرف حدود ۳۶۶ ساعت زمان (۱۴ روز و ۱۰ ساعت) طی کرده است.^{۲۵} در این سفر با بسیاری از نقاط مرکزی و جنوبی ایران، آشنایی یافته که در سفرنامه‌اش به بیش از ۱۱۵ آبادی (شهر، قریه، قصبه، رباط، منزل، امام‌زاده و...) اشاره نموده است. از معروف‌ترین آن‌ها می‌توان آبادی‌های زیر را نام برد:

حوض سلطان سنجر (رباط)، تیران (قریه)، قلعه نصیرخان جودکی، بند قیر، رامهرمز، هویزه، اهواز، محمره، پاستنگان، لنگروت (لنجرود).

در پایان به برخی از لغات متداول در سفرنامه خوزستان اشاره می‌شود:

تذکره / تذکره‌چی = گذرنامه، مسئول گذرنامه

چول = صحرا و بیابان (واژه ترکی است که در بعضی لهجه‌ها چل نیز تلفظ می‌شود)

ذراویج = (جمع ذراخ) جانوری زهردار سرخ رنگ با خال‌های سیاه که می‌پرد.

شگفت / اشگفت = غار

ضبطیه = پلیس

قورخانه = اسلحه‌خانه، انبار اسلحه

گپور = خانه‌هایی که اسکلت آن‌ها از چوب خرما است و اطراف آن

با حصیر بسته می‌شود.

کتل = اسب زین کرده که به پیشواز سلاطین و امرا برده می‌شود.

پی‌نوشت‌ها:

۱. مهدوی، سید مصحح‌الدین، تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، اصفهان: ثقفی، ۱۳۴۸ ش، ص ۴۱۵.

۲. بامداد، مهدی، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ ق، ج ۲، تهران: زوار، ۱۳۷۱ ش، ص ۲۷۳؛ دایرة‌المعارف فارسی، ذیل نجم‌الملک.

۳. مهدوی، پیشین، ص ۲.

۴. یغمایی، اقبال، مدرسه دارالفنون، تهران: سردا، ۱۳۷۶ ش، ص ۱۰۵.

۵. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، المآثر و الآثار، ج ۱، به‌کوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳ ش، ص ۱۵۶.

۶. دایرة‌المعارف فارسی، همان جا.

۷. یغمایی، پیشین، ص ۲۰۶.

۸. گلچین معانی، احمد، «سرشماری تهران در زمان ناصرالدین شاه»، یغما، شماره ۴، سال ۱۳۲۹، ص ۲۰۹.

۹. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، روزنامه خاطرات، با مقدمه و فهارس ایرج فشار، تهران: امیرکبیر، ۱۳۴۵ ش، صص ۶۸۵ و ۱۰۷۴.

۱۰. ستایشگر، مهدی، نام نامه موسیقی ایران زمین، ج ۳، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۸۳.

۱۱. نجم‌الملک، میرزا عبدالغفار، سفرنامه خوزستان، به‌کوشش محمد دبیرسیاقی، تهران: علمی، ۱۳۶۲ ش، مقدمه.

۱۲. همان، صص ۱ و ۱۸۳.

۱۳. سعادت نوری، حسین، ظل‌السلطان، تهران: وحید، ۱۳۴۷ ش، صص ۱۷۴ تا ۱۷۸.

۱۴. محبوبی اردکانی، حسین، چهل سال تاریخ ایران، ج ۲، تهران: اساطیر، ۱۳۶۳ ش، صص ۶۷۸ - ۶۷۹.

۱۵. نجم‌الملک، ص ۱.

۱۶. همان، صفحات متعدد.

۱۷. اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، روزنامه خاطرات، ص ۶۸۵.

۱۸. انصاری، مصطفی، تاریخ خوزستان ۱۸۷۸ - ۱۹۲۵ م، ترجمه محمد جواهرکلام، تهران: شادگان، ۶۳ - ۲۶۲.

۱۹. نجم‌الملک، ص ۵۴ (برای نمونه‌های بیشتر رک: صص ۱۵، ۷۲، ۷۵).

۲۰. همان، ص ۶۴.

۲۱. همان، ص ۹۰.

۲۲. همان، ص ۱۲۶.

۲۳. همان، صص ۱۹۵ - ۱۹۶.

۲۴. همان، ص ۱۹۶.

۲۵. ارقام مزبور شامل مسافت و زمان‌هایی است که نجم‌الملک برای رسیدن به مقصد بعدی طی کرده است. بنابراین از طول مسافت و زمان‌هایی که برای نقشه‌برداری یا سیاحت صرف کرده، چشم‌پوشی شده است.